

خیزش در آبادان

و جرح و دستگیری مردم اعتراض کنید.

زنان، جوانان، مردم آزادیخواه در سراسر ایران
به هر شکل که میتوانید از مردم آبادان حمایت کنید. سالروز ۱۸ تیر را به روز اعتراض همگانی علیه حکومت اسلامی تبدیل کنید. جمهوری اسلامی باید برود.

صفحه ۲

گزارش رویدادهای آبادان

پایان حکومت خدا!

صفحه ۳

درگیری گسترده مردم پیرانشهر با مزدوران مسلح رژیم اسلامی

صفحه ۴

جمهوری اسلامی در سالگرد ۱۸ تیر

شده است. وحشت اینها هم از چیزی است که ۱۸ تیر مظهر آن بود. در همین یکی دو هفته اخیر خاتمی به آن یکی جناح گفت "سکوت گورستانی دوام نمی آورد"، محشمتی بعد از تعطیل روزنامه اش استغاثه کرد "خدا آنروز را نیاورد که مردم جلو حکومت اسلامی بایستند"، سروش و تاج

صفحه ۲

"قانون" است، عمل می کند. به "خسونت قانونی" رو آورده است. در واقع، رهبر و قوه قضاییه برای خلاصی از شیخ "فتنه ۱۸ تیر" مستقیماً قدم به میدان گذاشته اند تا شاید کاری را که انصارالله و "لباس شخصی" ها از آن ناتوان ماندند، انجام دهند. دوزخدادی ها فقط جر نمی زنند که چرا دستگیریهایی اخیر شامل "نیروی های خودی" هم

معتراض، بلکه سران حکومتی و غیر حکومتی جبهه دوزخداد نیز، یکی بعد از دیگری "صاحب پرونده" و روانه اوین میشوند. بقول دوزخدادی ها "شاکلی های حرفه ای" اکنون "حلقه محاصره" را تنگ میکنند و تا "معاونین وزیر" و آستانه بیت خاتمی هم رسیده اند! ولی جناح راست دارد فقط به نصیحت دوزخداد که "مخالف خسونت" مگر به حکم

خاتمی، معلق در آسمان آلمان!

خیابانهای برلین میدان نبرد علیه رژیم اسلامی خواهد شد

اعتراضات وسیع اپوزیسیون و ایرانیان معترض به جمهوری اسلامی و دزدسر و بی آبرویی مجدد پس از کنفرانس برلین، وحشت دارد. خاتمی قرار است این بار با ترس و لرز و اعلام آماده باش درجه یک وارد آلمان شود. روزنامه های جمهوری اسلامی میگویند هنوز سفر و ایرانیان کرده است. دولت آلمان، از آکسیونها و

صفحه ۲

تمام رفت و آمد خاتمی و هیات همراهش با هلیکوپتر و هوایی خواهد بود. و پای رئیس جمهور "منتخب و دمکرات" قرار نیست خاک آلمان را لمس کند. هر روزنامه ای که خبر این سفر و وقایع حول و حوش آنرا گزارش داده، تاکید فراوانی بر اعتراضات وسیع اپوزیسیون و ایرانیان کرده است. دولت آلمان، از آکسیونها و

دولت آلمان از چندین روز قبل از سفر خاتمی به آلمان، به پلیس این کشور آماده باش درجه یک داده است. روزنامه های چاپ برلین بخش مهم برنامه های سفر خاتمی را محرمانه اعلام کرده اند. از مجموع سه روز اقامت خاتمی، فقط ملاقات وی با یوهانس راوو رئیس جمهور آلمان علنی اعلام شده است. گفته شده که

مردم مراکز و

نهادهای دولتی

را درهم گویند

اعتراض مردم آبادان که از صبح چهارشنبه ۱۵ تیر در اعتراض به وضعیت بد آب آشامیدنی شروع شده بود، در ظرف یک روز به یک خیزش همگانی علیه جمهوری اسلامی تبدیل شده است. شعار اصلی مردم مرگ بر جمهوری اسلامی و مرگ بر خامنه ای، خاتمی، رفسنجانی است. حکومت اسلامی برای سرکوب مردم آبادان علاوه بر نیروهای وزارت اطلاعات، گارد ضد شورش، بسیج، نیروهای بنیاد شهید و نیروهای سازمان تبلیغات اسلامی، نیروهای سرکوبگر بیشتری از اهواز وارد آبادان کرده است. در شرایطی که رژیم اسلامی در هراس از حرکات

مصطفی صابر

mosaber@yahoo.com



در سالگرد خیزش ۱۸ تیر، جمهوری اسلامی وحشتش را پنهان نمی کند. نه فقط از اینکه در این روز چه اتفاقی ممکن است بیفتد. این به جای خود. مایه اصلی وحشت رژیم از الگویی است که ۱۸ تیر به عیان در برابر جامعه ایران نهاد: تظاهرات و قیام توده ای علیه کل حکومت اسلامی!

رژیم اسلامی به سردمداری جناح راستش دست به دستگیریهایی وسیع زده است. نه فقط زنان و مردان تظاهرات شاتره، مشهد، تهران، خلخال، میناب، هفتگل، دشت مغان و غیره، نه فقط فعالین اعتصابات کارگری (که ۱۰ هزار نفر آنها در سال گذشته تحت تعقیب قرار گرفتند)، نه فقط روشنفکران

انترناسیونال

هفتگی

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: منصور حکمت

www.haftegi.com

۱۰

۱۷ تیر ۱۳۷۹

۷ ژوئیه ۲۰۰۰

جمعه ها منتشر میشود

"لبخند اصلاحات"

صفحه ۴

۱۸ تیر بر سر چه بود

صفحه ۳

به انترناسیونال

هفتگی

کمک مالی کنید

رادیو انترناسیونال

هر شب ۹:۳۰ تا ۱۰ بوقت تهران

۱۹ متر برابر با

۱۵۵۵۰ کیلوهرتز

پیامگیر رادیو

0044 208 962 2707

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

گزارش رویدادهای آبادان

(بنقل از اطلاعاتی های شماره ۱ و ۲ حزب کمونیست کارگری ایران)

چهارشنبه ۱۵ تیر: از ساعت ۹ صبح امروز هزاران نفر از مردم آبادان در اعتراض به شور بودن و گل آلود بودن آب آشامیدنی دست به تظاهرات زدند. از حدود دو سال و نیم قبل آب لوله کشی آبادان و خرمشهر با فاضل آب قاطی شده، شور و گل آلود است و غیر قابل استفاده شده است. در اثر آلودگی آب بیماریهای انگلی بشت در دو سال گذشته در این دو شهر بالا رفته است و شهرداری بجای رفع این مشکل شروع به فروش آب آشامیدنی کرده است. مردم فقیر و زحمتکش که امکان خریدن آب ندارند کماکان از همین آب لوله کشی استفاده میکنند. از دو روز قبل آب آنچنان شور و گل آلود میشود که دیگر مطلقاً قابل استفاده نیست. در اعتراض به این وضعیت و بی توجهی دولت به خواست مردم، امروز مردم آبادان خشمگین به خیابان ریختند، به مراکز دولتی حمله کردند و ادارات و بانکها را در هم شکستند. تظاهرات که عمدتاً از محله

کشتارگاه شروع شده بود خیلی سریع به همه شهر کشیده شد. بیش از ۵ هزار نفر در مقابل فرمانداری اجتماع کردند و سپس به ساختمان فرمانداری حمله کرده، شیشه های آنرا شکستند و سر در آنرا آتش زدند. فرماندار آبادان از درب عقب ساختمان فرار کرد و نیروهای انتظامی که برای عقب راندن مردم به محل اعزام شده بودند خیلی سریع توسط مردم از محل فراری داده شدند. مردم به طرف احمدآباد و خیابان امیری در مرکز شهر به تظاهرات خود ادامه دادند. مردم بیشتری به تظاهرات پیوستند و در آنجا به ساختمان شورای شهر و سپس به اداره آب و فاضل آب حمله ور شدند. ابتدا تجهیزات این ساختمان از قبیل کولوها و کامپیوترهای آنرا بیرون آوردند و آتش زدند و سپس کل ساختمان را به آتش کشیدند. بانکهای سر راه تظاهرات نیز مورد تعرض مردم قرار گرفت و در هم کوبیده شد و چندین خودرو نیروهای انتظامی توسط مردم واژگون گردید. تظاهرات به طرف کلاتری پنج در خیابان شاملو ادامه یافت. در مقابل کلاتری ابتدا تیراندازی هوایی شروع شد. مردم به داخل کلاتری ریختند و شیشه های

میکنند و مردم در خیابانها و کوچه های اطراف پراکنده میشوند و سپس در نقطه دیگری تجمع میکنند. بعضی از این تجمعات تا ده هزار نفر گزارش میشود. مردم عمق نفرتشان از جمهوری اسلامی و حکومت مذهبی را با حمله به مراکز اسلامی نشان میدهند. دیروز در مسیر بازگشت از خیابان امیری، حوزه علمیه و کتابخانه و کانون فرهنگی متعلق به سازمان تبلیغات اسلامی را به آتش کشیدند. امروز کانون فرهنگی چهارراه فرح آباد متعلق به این سازمان نیز به آتش کشیده شد.

مامور صدا و سیمای منفور جمهوری اسلامی در آبادان که برای فیلم و گزارش اعزام شده بود را کتک زدند و دوربینش را شکستند.

از صفحه ۱

خاتمی، معلق در آسمان آلمان!

برداشته اند نیست. سه روز ۱۰ تا ۱۲ ژوئیه خیابانهای برلین را به یک میدان نبرد بر علیه فاشیستهای حاکم بر ایران تبدیل خواهیم کرد تا دول مرتجع غرب و بویژه دولت آلمان این حقیقت تاریخی را درک کنند که مردم ایران جمهوری اسلامی، این حکومت فاشیستی را نمیخواهند. که خاتمی یکی از سران این حکومت جنایتکار است و به جای دیدار رسمی از یک کشور و پذیرائی شدن، باید همراه با سایر سران جمهوری اسلامی در یک دادگاه بین المللی به جرم جنایت علیه مردم ایران محاکمه شود. این سفر حاصلی جز بی آبرویی بیشتر برای جمهوری اسلامی و دولت آلمان نخواهد داشت.

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران کمیته آلمان

خاتمی قطعی نیست! این استخاره گرفتن ها و این دستپاچگی سیاسی و مجموعه اقدامات پلیس آلمان در ایجاد مانع برای شرکت تعداد هر چه بیشتر ایرانیان در آکسیونها، قبل از هر چیز مهر شکست این برنامه سیاسی را نشان میدهد.

خاتمی رئیس جمهور منتخب هیچ کس نیست. خاتمی رهبر "ناراضیان" در ایران نیست. او یکی از چهره های منفور رژیم اسلامی است که ورودش به یک پایتخت اروپائی با موجی از اعتراض وسیع مردمی روبرو میشود که از دست این جانیان به اروپا گریخته اند. نسخه راسیستی دولت آلمان و زدن چوب حراج به خاتمی بعنوان آلترناتیو اوضاع کنونی ایران چیزی جز دهن کجی به مردمی که برای سرنگونی این رژیم خیز

آنها شکستند و به ساختمان آن خسارات زیادی وارد آوردند. در اثر تیراندازی مزدوران جمهوری اسلامی یک جوان بیست ساله کشته شد.

چهارشنبه ساعت سه بعدازظهر: شهر آبادان حالت غیر عادی دارد و صدای تیراندازی در محلات مختلف شهر شنیده میشود. دهها نفر از مردم بویژه جوانان شهر دستگیر شده اند. نیروهای انتظامی از ترس برپائی مجدد اعتراض مردم، در همه جا دیده میشوند. آزادی فوری دستگیر شدگان تظاهرات امروز به خواست مردم برای رسیدگی فوری به وضعیت آب شهر اضافه شده است.

چهارشنبه شب: مردم در چندین محله از جمله محلات احمدآباد و ذوالفقاری به مساجد حمله کردند و آخوندها را کتک زدند. در مناطق مابین کشتارگاه تا فلکه سده مردم در تمام طول شب به آتش زدن لاستیک و جنگ و گریز با نیروهای سرکوبگر مشغول بودند.

پنجشنبه ۱۶ تیر: مردم در گروههای چندهزار نفره اجتماع میکنند و با شعارهای مرگ بر جمهوری اسلامی و مرگ بر خاتمی، خاتمی رفسنجانی، خشم و نفرت خود را از جمهوری اسلامی نشان میدهند. نیروهای رژیم به این تجمعات حمله

۱۸ تیر یک اتفاق مقطعی نبود، یک سیاست پایه ای، وجودی و ناگزیر هردو جناح جمهوری اسلامی است. در این یکسال جامعه ایران قطعی تر شد. کنفرانس برلین اتفاق افتاد و معلوم شد نمی توان در میانه ایستاد. یا باید با جمهوری اسلامی رفت و یا باید برای کندن شر آن آستین بالا زد. در این یکسال کمونیسم کارگری در ابعاد سیاسی و اجتماعی مطرح شد. سراسر سال پر بود از ۱۸ تیرهای شهرهای مختلف، جاده بستن ها و پیکت های کارگری. معلوم شد که نه اشک خامنه ای برای "معیشت"، میشود دستمزد و بیمه بیکاری و استخر (شاره به یکی از خواستهای زنان شاتره) برای مردم، و نه "توسعه سیاسی" خاتمی به آنها آزادی اعتصاب و بیان و رها شدن از شر حکومت مذهبی میدهد. جامعه ایران برای رهایی از حکومت اسلامی سرمایه سرعت بسوی اتخاذ و تکامل الگوی ۱۸ تیر میروید.

از صفحه ۱

جمهوری اسلامی در سالگرد ۱۸ تیر

زاده هشدار دادند "انقلاب آخرین راه حل یک قوم است!" انقلاب چیزی است که دخرداد جناح راست را از آن میترساند اما خود بهمان اندازه از آن میترسد. انقلاب چیزی است که بدر امتیاز گیری در دعوایی جناحی میخورد اما در مقابل مردم معترض باید آنرا به "خشونت" و "اخلال" تقلیل داد و مردم را از آن برحذر داشت. لذا در سالگرد ۱۸ تیر، دخردادی ها و بویژه "تحکیم وحدت" شان تمام تلاش خود را به خرج میدهند تا خیزش ۶ روزه تیر ماه را به "فاجعه حمله به کوی دانشگاه" تقلیل دهند و "علیه خشونت" اعتراض کنند! میکوشند تا روزهای ۱۹ تا ۲۲ تیر را که بسیاری خیابانهای تهران عملاً در دست تظاهر کنندگان و کسانی بود که علیه "حکومت ریش و پشم" برخاسته بودند، از

روزنه دات کام

نشریه ای اینترنتی از

حزب کمونیست کارگری ایران
http://www.rowzane.com

سردبیر: کورش مدرسی

۱۸ تیر بر سر چه بود

علی جوادی

بخشهایی از گفتگوی پری صفاری تهیه کننده رادیو صدای ایران، با علی جوادی بمناسبت سالگرد رویدادهای ۱۸ تیر

پری صفاری: ارزیابی شما از وقایع ۱۸ تیر ماه و بطور کلی جنبش آزادیخواهانه مردم در یکسال گذشته چیست؟

علی جوادی: اعتراضات و تظاهراتهای دانشجویان و جوانان در ۱۸ تیر ماه و پنج روز بعد از آن غرش رعد در آسمان بی ابر نبود. این اعتراضات بخشی از جنبش عمومی و رو به گسترش مردم است. و همان عواملی زمینه ساز و شکل دهنده آن بودند که مبانی عمومی اعتراضات مردم را در کل دوران حاکمیت سیاه اسلامی در بیست سال گذشته تشکیل میدهند. هدف این جنبش آنطور که از شعارهایش روشن است نه تلاشی برای تعدیل و حفظ حکومت اسلامی، آنطور که مبلغین دوم خردادی مطرح میکنند، بلکه اساسا جنبشی برای سرنگونی رژیم اسلامی و کسب آزادی و رفاه است. این جنبش بر سر اصلاحات جزئی و یا برای مشروط کردن نقش ولایت فقیه و یا تغییر توازن قوای جناحها و یا رام کردن قوه قضاییه رژیم

نیست. برعکس برای کنار زدن کلیت رژیم اسلامی و حاکمیت اسلام سیاسی از سرنوشت مردم است. این اعتراضات از یکطرف ریشه در ناخوانی مختصات سیاسی-اجتماعی رژیم اسلامی با خواستها و مختصات روش زندگی مردم دارد. جامعه ایران برخلاف تصویری که اسلامیهستها و ژورنالیستهای غربی مطرح میکنند، جامعهای اسلامی نیست. سنتها و باورهای اسلامی یک تمایل ذاتی اکثریت مردم در ایران نیست. به همین خاطر رژیم اسلامی مجبور است که هر روز با شلاق و ارباب و زندان احکام و قوانین اسلامی خودش را به جامعه تحمیل کند. اهمیت وقایع ۱۸ تیر در این بود که مردم در این رویدادها رسما حکم به رفتن رژیم باعث و بانی مصیبتهای حاکم بر جامعه دادند. این حکم را کف دستش گذاشتند. مردم در این روزها فریاد میزدند، "برکنار، برکنار، حکومت



آخوندی برکنار". "زنده باد آزادی، مرگ بر استبداد". "مردم قیام شروع شده، بیست سال سکوت تمام شده، توپ، تانک، بسیجی دیگر اثر ندارد"، "مرگ بر این حکومت مردم فریب" و یا "آزادی اندیشه با ریش و پشم نیست". ببینید شعارها و خواستهای مردم صریح و روشن اند. با این تفصیل ۱۸ تیر را بنظرم باید سرآغاز پروسه عملی سرنگونی رژیم اسلامی بحساب آورد. شش روز تیر پایههای رژیم اسلامی را لرزاند. نشان داد که مردم عزم کردهاند تا به عمر این رژیم پایان بدهند. اعتراضات یکسال اخیر مردم در گوشه و کنار جامعه تماما نشانگر این خصلت حرکت اعتراضی مردم بود. در حال حاضر بعد از گذشت یکسال از ۱۸ تیر ۷۸ هم میتوان گفت که این جنبش اکنون بمراتب جنبشی قویتر و همه جانبهتر است. و می رود که شر بختک

اسلامی" از سر و روی "ایران اسلامی" می بارد! حالا خانم ها و آقایان ژورنالیست کمربسته منافع سرمایه داری غرب و اپوزیسیون ملی و شرقزده ایران بشتابند و زیر بغل "جنبش دوزخدار" را بگیرند تا شاید "حکومت خدا" را در ایران "اصلاح" کنند. اما حتی موقعی که آقای زم سخنرانی میفرمودند سر و صدای "قیامت" شنیده میشد و "کفر" به همه جا گسترش پیدا میکرد: در آبادان مردم برای آب به کلاتری حمله میکردند، در ساری کارگران برای بار چندم جلو استانداری پیکت کردند، هنوز در شاتره بعد از تظاهرات زنان حالت نیمه حکومت نظامی بود، تهران در التهاب سالگرد ۱۸ تیر به سر می برد... حکومت خدا به پایانش نزدیک میشود.

اسلامی را از سر جامعه کم کند. پری صفاری: از دید شما مردم ایران در درون و بیرون از کشور چگونه میتوانند از جنبش دانشجویی پشتیبانی کنند؟

علی جوادی: جنبش ۱۸ تیر جنبشی دانشجویی، با اهداف دانشجویی و خواستار تغییراتی در محدوده سیستم دانشگاهی حاکم بر کشور نبود. هر چند که دانشجویان و جوانان نیروی اصلی این جنبش را تشکیل میدادند. بنابراین سوال اینست که این جنبش، یعنی جنبش مردم برای سرنگونی رژیم اسلامی چگونه میتواند صفوف خودش را گسترش بدهد. در این رابطه کارهای زیادی میشود کرد. حزب کمونیست کارگری ایران درست در نقطه مقابل جریانات دوم خردادی که مردم را به سکوت و آرامش دعوت میکنند و مردم را از مبارزه ریشههای منع میکنند، در سالگرد ۱۸ تیر مردم را چه در خارج و چه در داخل کشور به گسترش مبارزه علیه طاعون اسلامی حاکم بر جامعه، علیه خفقان سیاسی، علیه فقر و فلاکت و بیکاری و علیه نابرابری و فرودستی زن در جامعه دعوت میکند. حزب کمونیست کارگری در سالگرد ۱۸ تیر مردم را به مبارزه برای کسب آزادیهای وسیع و بی قید و شرط سیاسی، به مبارزه برای آزادی کلیه دستگیر شدگان وقایع تیر، برای آزادی تمامی زندانیان سیاسی، برای پرداخت بیمه بیکاری به کارگران، برای افزایش حقوق، برای لغو حجاب اجباری، و برای حق اعتصاب و تشکل دعوت به گسترش مبارزه میکند.

پری صفاری: در روزها و هفته های گذشته گزارشهای بسیاری در

مورد اعتراضات و اعتصابات کارگری در کشورمان را دریافت کردیم. شما چه تشابهات و زمینهای مشترکی را بین حرکتهای کارگری و جنبش جوانان و دانشجویان می بینید؟

علی جوادی: جوانان، کارگران، و زنان و اصولا همه مردم سهم خودشان را از زندگی و آینده میخواهند. جوان امروز، دختر و پسر، در آن جامعه، تحت حاکمیت اسلامی، انسانی تحقیر شده و فرودست است. آزادی عمل ندارد. آیندهای ندارد. بخاطر مدل مو و نوع لباسش تو سرش میزنند. بخاطر رنگ مانتیکش شلاقش میزنند. لاک ناخنش هشتاد هزار و خط چشمش چهل هزار تومان جریمه دارد. بزور حجاب سرش کرده اند؟! فقر و فلاکت و فحشا و اعتیاد، بیکاری و بی حقوقی بیداد میکنند. فقط در سال گذشته در ایران بنا به اظهار مقامات رژیم بیش از ۱۰ هزار کارگر را به جرم فعالیت سیاسی بازداشت کردهاند. دستمزد و حقوق بیش از یک میلیون کارگر در مواردی بیش از یکسال و نیم است که پرداخت نشده است. فقر ۱۳۰ هزار تومان در ماه است، اما حداقل دستمزد کارگر معادل ۴۶ هزار تومان است. مسئله اساسی اینجاست که پیش شرط تحقق خواستهای جوانان، زنان و کارگران در شرایط امروز مستلزم بیزیر کشیدن رژیم جمهوری اسلامی است. کوچکترین قدم در راه بهبود وضعیت مردم مستلزم گذشتن از سد جمهوری اسلامی است. آلترناتیوها روشن اند. یا ادامه جهل و فقر و سرکوب، یا برابری و آزادی و رفاه. یا جامعهای باز، شاد، و آزاد یا ادامه بی حقوقی و محرومیت دائمی مردم! بنظر من ساختن یک دنیای بهتر، تحقق آزادی از قید و بندهای کنونی، رسیدن به برابری، رفاه، عدالت اجتماعی، و بطور خلاصه، یک زندگی انسانی نه تنها ضروری است، نه تنها یک نیاز فوری انسانهاست، بلکه همین امروز ممکن و قابل حصول است. من به آینده تحولات جاری در ایران خوشبینم.

انترناسیونال هفتگی را در ایران
و خارج تکثیر و پخش کنید

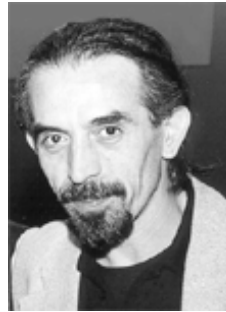
مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

"لبخند اصلاحات"

siavash.d@yahoo.com

Tel +46 (0) 707656362

سیاوش دانشور



به شهروندان تهرانی گل هدیه میکند.

در وقایع سال پیش این

نهادهای دست ساز دانشجویی، در

همان روز اول، از خود رفع مسئولیت

کردند و همراه با دو جناح رژیم

دانشجویان و مردم را محکوم کردند.

این جنبه موضوع ابتدا تعجبی ندارد.

اینها از روز اول برای مهار دانشگاه

و سرکوب و منزوی کردن دانشجویان

و جوانان انقلابی و برپا کردن بساط

دانشجویی رفتند. اما جالب است

که اینها بخواهند منادی "نقی

خشونت" شوند، کنفرانس "نقی

خشونت" بگذارند و به جوانان و

مردم کوچه و خیابان با دادن گل

یادشان بدهند که "خشونت بد است!"

شاید دادن گل به دست

عابری در خیابان در نگاه اول

جالب و عاطفی جلوه کند. اما

وقتی به موضوع خیره میشوید، و

به طرفینی که گل بینشان رد و

بدل میشود نگاه میکنید، توخالی

بودن این تابلو را بوضوح می

بینید. اطلاعات و سپاه و نیروهای

در قالب طرح "لبخند اصلاحات"،

در آستانه سالگرد ۱۸ تیر

نگاهها به روزهای داغ تابستان

گذشته و اینکه رژیم اینروز را

چگونه از سرمیگذرانند، معطوف

شده است. رژیم اسلامی از پیش با

تعطیل کردن دانشگاهها و تخلیه

خوابگاهها و اتخاذ دیگر تدابیر

امنیتی، تلاش میکند امکان هر

تجمعی را در اینروز منتفی کند.

دستگیری رهامی از وکلای پرونده

حمله به کوی دانشگاه، و برکناری

لطیفان فرمانده نیروهای انتظامی

تهران توسط خامنه ای، دستپاچگی

جناح راست رژیم را منعکس میکند.

دو خردادها نیز با استراتژی "حفظ

آرامش"، میخواهند اینروز را با

وراجی های توخالی در باب "پرهیز

از خشونت" از سر بگذارند. براساس

این سیاست، انجمنهای اسلامی

دانشگاهها در تهران و تبریز اعلام

کردند که برای حفظ آرامش هیچ

تجمعی نخواهند داشت. دفتر تحکیم

وحدت گفته است که در سالگرد

۱۸ تیر برای مبارزه با خشونت،

در قالب طرح "لبخند اصلاحات"،

و سران جناح راست و "زهر معظم
انقلاب" گل نمیدهند تا بجای
دشمنه و اسلحه در دستشان بگیرند.
بار دیگر معلوم شد منظور اینها
از "نقی خشونت"، نه نفی خشونت
لجام گسیخته رژیم علیه مردم،
بلکه نفی حضور سیاسی مستقل
مردم است. منظورشان به خانه
فرستادن مردم و مهار اعتراضشان
است.

اینها به مردم گل میدهند

تا علیه نظامشان تظاهرات و

اعتراض و اعتصاب نکنند. یکجا

گلوله میزنند و قرق نظامی میکنند،

یکجا وراجی حفظ آرامش میکنند

و گل هدیه میدهند! گیریم که

اینروز را از سر گذرانند، پاسخ

اعتراضات کارگری و دستمزد

پرداخت نشده کارگران را چگونه

میدهند؟ پاسخ مطالبات اساسی و

فوری سیاسی و اقتصادی مردم را

چگونه میدهند؟ پاسخ زنان و

انتظامی حالت شبه حکومت نظامی

بوجود می آورند و بقیه در باب

"تقیب خشونت" حرف میزنند و

دانشجویان طرفدار رژیم برای لطیف

کردن این فضائی که برادرانشان

بوجود آورده اند، به مردم گل

میدهند. چرا این گلها را به مردم

میدهند؟ مردم که به دانشگاهها

حمله نکردند و به دانشجویان شلیک

نکردند. آیا اینها عاملین خشونت

در دانشگاه را نمی شناسند؟ چرا

به انصار حزب الله و نیروی انتظامی

درگیری مردم پیرانشهر با مزدوران رژیم

نام عباس بالوآقا بر سر باجگیری

مرزی کشته می شود. خبر به

سرعت در شهر می پیچد. مردم با

شنیدن خبر به خانه این مزدور در

پیرانشهر حمله میکنند. در طول

دوشنبه شب و روز سه شنبه، شهر

پیرانشهر حالت اعتراضی داشته و

در ادامه، در تجمع اعتراضی مردم

در برابر خانه یکی از مسئولین

بالای عوامل رژیم به نام "حاصل"،

یک نفر در نتیجه تیراندازی او

کشته و تعدادی زخمی می شوند.

اعتراضات وسیعتری صورت گیرد.

بنا بر اطلاعیه کمیته کردستان

حزب کمونیست کارگری ایران، روز

دوشنبه ۱۳ تیر یک جوان چهارده

ساله از کاروانچی های مرزی منطقه

پیرانشهر در نقطه مرزی ایران و

عراق توسط یک مزدور رژیم به

وسعت گرفته که نیروهای انتظامی

جرات دخالت نداشته اند. روز سه

شنبه مغازه ها تعطیل بودند و تا

ظهر تیراندازیهایی پراکنده ادامه داشته

است. تلفن ارتباطی پیرانشهر با

بیرون تا ساعت چهار بعد از ظهر

قطع بوده است. تعدادی از زخمی

ها به بیمارستانهای نقده و ارومیه

منتقل شده اند. رژیم برای مقابله

با ادامه اعتراضات بیش از چهارصد

نفر از نیروهای مسلح را از

میانداوب به پیرانشهر منتقل کرده

است. گفته می شود مردم منتظرند

که جنازه جوان کشته شده به شهر

آورده شود تا به این مناسبت

اعتراضات وسیعتری صورت گیرد.

اصغر کریمی رئیس هیات دبیران ۴۰۹۷۹۲۸ ۷۷۱ ۰۰۴۴

آذر مدرسی دبیر تشکیلات خارج ۷۸۲۲۷۴۶ ۱۷۲ ۰۰۴۹

Website:

www.haftegi.com انترناسیونال هفتگی

Email:

haftegi@yahoo.com

Fax: 0044-8701207768

Address:

BM Box 8927

London

WC1N 3XX

England

Bank Account:

Z.I. Konto:

520 5164 008

BLZ: 10090000

Beliner Volksbank

Germany

سایت های حزب و نهادهای نزدیک به حزب روی اینترنت

www.haftegi.com

www.iwsolidarity.com

www.wpiran.org

www.medusa2000.com

www.rowzane.com

www.marxsociety.com

www.hambastegi.org

www.kvwpiran.org

برنامه جلسات انجمن مارکس لندن

ژوئیه تا سپتامبر ۲۰۰۰ (July-September 2000)

شنبه ۲۲ ژوئیه کمونیسم کارگری در عراق (به زبان کردی) کورش مدرسی

ورودیه: ۵ پوند اعضای انجمن مارکس لندن: رایگان

یکشنبه ۲۳ ژوئیه: فمینیسم، سوسیالیسم و طبیعت انسان اعظم کم گویان

ورودیه: ۲ پوند. اعضای انجمن مارکس لندن: رایگان

شنبه ۲ سپتامبر: بازخوانی کاپیتال مارکس (سمینار اول) منصور حکمت

ورودیه: ۱۲ پوند اعضای احزاب کمونیست کارگری؛ ۷ پوند اعضای انجمن مارکس لندن: رایگان

یکشنبه ۳ سپتامبر: تاریخ شفاهی چپ:

از کومهله تا حزب کمونیست ایران ایرج فرزاد-حسین مرادیگی

ورودیه ۵ پوند اعضای انجمن مارکس: رایگان

برای ثبت نام و دریافت کارت ورودی با انجمن مارکس تماس بگیرید

تلفن ۰۰۴۴-۷۷۱ ۴۶۱ ۱۰۳۷ marxscociety@yahoo.com

برای دریافت آخرین اخبار درباره برنامه سمینارهای انجمن، و اطلاعات دیگر به

وب سایت انجمن مراجعه کنید www.marxsociety.com